

نگرشی علمی و آکادمیک به نحوه کاربرد اصل مانور در عملیات رمضان

نصرت ا... معین وزیری

۱- تشریح عملیات رمضان

الف- مقدمه

عملیات رمضان (طرح عملیاتی کربلا ۴) بر این اساس مورد طراحی قرار گرفت که با حضور قوای نظامی ایران در پشت رودخانه شط العرب (اروند)^۱ و تسلط بر معابر وصولی به بصره، عملاً از نظر سیاسی، نظامی موقعیت مناسبی برای جمهوری اسلامی فراهم آید، بطوری که عراق ناگزیر از دادن امتیازات قابل توجهی به ایران برای پایان یافتن جنگ باشد، پس از اخذ تصمیم توسط شورای عالی دفاع مبنی بر ادامه عملیات تهاجمی علیه عراق، دست اندرکاران طراحی عملیات در قرارگاه کربلا، برابر دستورات فرماندهان این قرارگاه طراحی عملیات در شرق بصره را با هدف تامین بصره به عنوان یک هدف سرنوشت ساز و تعیین کننده آغاز کردند.

ب- وضعیت و موقعیت منطقه عملیاتی رمضان

منطقه عملیاتی رمضان به شکل یک مثلث به وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع که محصور بود از شمال به منطقه کوشک طلائی به طول ۵۰ کیلومتر، از غرب به رودخانه شط العرب در حد فاصل القرنه تا شلمچه

۱- از به هم پیوستن دو رودخانه دجله و فرات، رودخانه شط العرب تشکیل می شود و این نام تا محل تلاقی رودخانه کارون با آن ادامه دارد، از آنجا به بعد تا دهانه فاو، این رودخانه اورند رود نامیده می شود.

به طول ۸۰ کیلومتر، و از شرق به خط مرزی شمالی جنوبی کوشک تا شلمچه به طول ۶۰ کیلومتر.

دشمن با احداث خاکریزهای مثلثی شکل، مواضع پدافندی مناسبی را در منطقه فوق ایجاد کرده بود. علاوه بر این، دشمن از زمان های قبل کانالی به طول ۳۰ کیلومتر و عرض یک کیلومتر را که مختص به امر پرورش ماهی بود احداث و به عنوان مانعی اساسی و بازدارنده در مقابل تعرض نیروهای خودی به سمت بصره، در شرق این شهر آماده نموده بود. دشمن همچنین در قسمت جنوبی منطقه که مقابل شلمچه واقع است، آب جاری نمود تا مانع از عبور نیروهای تک ور ایران شود.

پ- نیروهای شرکت کننده خودی در عملیات رمضان

(۱) ارتش جمهوری اسلامی ایران :

الف- نیروی زمینی :

لشکر های ۱۶ و ۹۲ زرهی، لشکر های ۲۱ و ۷۷ پیاده، تیپ ۴۰ پیاده سراب، گروه های ۲۲ و ۳۳ توپخانه، سه تیم رزمی هوانیروز، یگان های مهندسی، مخابرات و پشتیبانی خدمات رزمی.

ب- نیروی هوایی:

پشتیبانی هوایی شامل پشتیبانی نزدیک هوایی، بمباران از ارتفاع بالا، عکاسی، گشت و پوشش هوایی، حمل آماد و نیرو و مجروحین.

(۲) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی :

لشکرهای ۱، ۳، ۵ و ۷ پیاده و عناصری از لشکر ۳۰ زرهی، پشتیبانی مهندسی رزمی توسط جهادگران جهاد سازندگی و توپخانه های موجود سپاه.

(۳) قرارگاه کنترل کننده عملیات رمضان :

قرارگاه عملیاتی مشترک نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران به نام قرارگاه عملیاتی کربلا، طرحریزی و هدایت عملیات را به عهده داشت.

پ- استعداد و گسترش نیروهای عراقی در عملیات رمضان

قبل از آغاز عملیات رمضان، سپاه ۳ ارتش عراق با لشکرهای ۵ مکانیزه، ۳ و ۶ زرهی، ۱۱ و ۱۵ پیاده و تعدادی تیپ مستقل زرهی، پیاده و مکانیزه با عناصری از لشکرهای دیگر در منطقه شرق بصره گسترش داشتند.

خطوط مقدم پدافندی دشمن، بوسیله گردان های پیاده که زیر امر لشکرهای زرهی و مکانیزه قرار داشتند اشغال شده بود و اغلب گردان های زرهی و مکانیزه این لشکرها در خط دوم و سوم پدافندی مستقر بودند.

ث- ماموریت و طرح مانور عملیات رمضان (نقشه شماره ۱)

عملیات رمضان از چهار محور یا با چهار قرارگاه عملیاتی به منظور انهدام نیروهای سپاه سوم دشمن و تامین خط رودخانه شط العرب (اروند) در منطقه طراحی شد.

از آنجا که در منطقه شرق شط العرب عقبه دشمن فقط متکی به چهار پل در نشوه و تنومه بود، پیش بینی می شد که در صورت سرعت عمل و رعایت غافلگیری توام با پیشروی مناسب، نیروهای زیادی از دشمن به اسارت در آیند.

قرارگاه کربلا در طرح عملیاتی کربلا ۴، برای وصول به کرانه شرق شط العرب، مانور رخنه ای را انتخاب و عملیات را به سه مرحله به شرح زیر تقسیم کرد:

مرحله یکم:

قرارگاه کربلا با قرارگاه قدس در شمال، قرارگاه فجر و فتح در مرکز منطقه تک نموده نیروهای دشمن را منهدم و خط سرخ را تامین می نمایند.

مرحله دوم:

قرارگاه های فجر و فتح در امتداد خط سرخ مواضع خود را تثبیت کرده و قرارگاه نصر در منطقه تک نموده نیروهای دشمن را منهدم و خط آبی را تامین می نماید.

مرحله سوم:

قرارگاه های فجر و قدس تک را به سمت غرب و جنوب غربی ادامه داده و پس از وصول به کرانه شرقی شط العرب در منطقه پدافند می نمایند.

قرارگاه فتح از شمال غربی به جنوب شرقی و قرارگاه نصر از جنوب شرقی به شمال غربی تک را ادامه داده و دشمن را در منطقه منهدم و سواحل شرقی شط العرب را تامین و پس از الحاق در خط سبز در منطقه محوله در کنار شط العرب، پدافند می نمایند.

برای طرح عملیاتی کربلای ۴، حدود ۴۵ روز بررسی و برآورد وضعیت شد و از نظر فرماندهی و ستاد قرارگاه کربلا، بهترین راه کار انتخاب شده بود.

شناسایی منطقه عملیاتی بر مبنای عکس های هوایی بود که از ارتفاع بالا توسط هواپیماهای RF-4 نیروی هوایی گرفته شده بود که بسیار ارزشمند بودند.

با وجود اینکه ۹ لشکر سپاهی و ارتشی در کنترل عملیاتی قرارگاه کربلا وارد عمل می شدند اما در این عملیات همانند عملیات های قبلی عملاً احتیاطی برای این قرارگاه وجود نداشت.

با وجود اینکه لشکر ۳۰ زرهی سپاه پاسداران در سازمان رزمی به صورت یک قرارگاه مستقل لشکری تعیین و نام برده شده بود اما ماموریتی به آن لشکر واگذار نشده بود و می توان تحلیل کرد که یا عملاً این لشکر وجود نداشت و یا دارای استعداد رزمی کافی نبود که بتواند به صورت یک واحد مستقل ماموریتی را به عهده بگیرد.

شایان ذکر است که این عملیات به جای اینکه از قرارگاه مرکزی کربلا هدایت شود از قرارگاه یکی از لشکرهای سپاه پاسداران اداره گردید زیرا برای قرارگاه مرکزی کربلا، محل جدیدی انتخاب و تاسیسات آن احداث گردید ولی از نظر مخابرات و امکانات لازم، هنوز تکمیل نگردیده بود و نیاز به یکی دو روز دیگر فرصت برای اتمام آن بود، بنابراین به سبب تعجیل برای آغاز عملیات رمضان، از قرارگاه لشکر سپاه برای ابلاغ فرمان آغاز عملیات و هدایت آن استفاده شد که طبعاً مشکلاتی را در هدایت عملیات و آگاهی از وضعیت یگان های در گیر به وجود آورد.

ج- آماده شدن برای اجرای عملیات

طرح عملیاتی کربلا ۴ در سوم تیرماه ۱۳۶۱ منتشر شد اما طرح نهایی پس از تجدید نظر و تغییرات لازم، دوباره در تاریخ ۱۸ تیرماه با مختصر تغییر گسترش به قرارگاه های تابعه ابلاغ شد.

چ- اجرا و هدایت عملیات رمضان

در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۲۲ تیرماه ۱۳۶۱ با ابلاغ پیام بسم الله القاصم الجبارین یا صاحب الزمان ادرکنی به قرارگاه های عمل کننده، رزمندگان سلحشور جمهوری اسلامی ایران به مواضع دشمن یورش بردند. بدین ترتیب عملیات رمضان آغاز شد. عملیات رمضان در عمل طی ۵ مرحله به شرح زیر انجام گردید:

(۱) **مرحله اول:** در مرحله اول عملیات، ۳ قرارگاه از ۳ محور با دشمن درگیر شدند (به ترتیب از شمال به جنوب، قرارگاه های قدس، فجر و فتح). قرارگاه های قدس و فجر به علت وجود موانع و استحکامات مثلثی شکل و میادین مین، نتوانستند با سرعت عمل به اهداف تعیین شده دست یابند و با نزدیک شدن روشنایی صبح، از ادامه پیشروی باز ماندند. در محور جنوبی (جنوب پاسگاه زید)، قرارگاه فتح شامل تیپ های زرهی سوم و یکم لشکر ۹۲ و تیپ های پیاده سپاه پاسداران با سرعت عمل چشمگیر و قابل ملاحظه ای موفق شدند مواضع دشمن را در هم بکوبند و به عمق ۳۰ کیلومتری مواضع دشمن پیشروی نموده و خود را به نهر کتیبان^۱ در شرق شط العرب و شمال کانال ماهیگیری برسانند.

۱- نهر کتیبان: کانالی است که از طریق آن، آب از رودخانه شط العرب به کانال ماهی گیری پمپاژ می گردد.

رزمندگان قرارگاه فتح توانستند خود را به قرارگاه فرماندهی لشکر ۹ زرهی عراق رسانده و قرارگاه مزبور را منهدم نمایند. علی رغم موفقیت های به دست آمده در این محور، جناح راست قرارگاه فتح خالی ماند لذا با روشن شدن هوا، دشمن با یک لشکر در شکاف موجود بین قرارگاه های فتح ۱ و فتح ۳ اقدام به پاتک نمود و ضمن به عقب راندن فتح ۱، نیروهای فتح ۳ را از دو جناح تحت فشار قرار داده و ضمن انهدام دو گردان از فتح ۳، قرارگاه مزبور را نیز به عقب راند و در شامگاه اولین روز نبرد، یگان های تابعه قرارگاه فتح تقریباً به مواضع اولیه خود باز گشته بودند.

(۲) مرحله دوم:

مرحله دوم عملیات از محور جنوب پاسگاه زید در ساعت ۱۲:۳۰ روز ۶۱/۴/۲۵ آغاز شد. در این مرحله تلاش اصلی به عهده قرارگاه نصر بود. ۳ تیپ از عناصر قرارگاه فتح شامل تیپ های ۳ و ۱ لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۸ نجف سپاه که در عملیات روز ۲۳ تیرماه خسارت سنگینی را متحمل شده بودند به منطقه عقب رفتند تا تجدید سازمان نمایند سایر یگان های قرارگاه فتح شامل تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ و تیپ های پیاده کربلا، قم و امام حسین سپاه زیر امر قرارگاه نصر قرار گرفتند. عملیات مرحله دوم علی رغم ایجاد رخنه ای به عمق ۸ کیلومتر در خطوط دفاعی دشمن در ساعت ۷:۳۰ دقیقه روز ۲۶ تیرماه بدون دسترسی به اهداف تعیین شده پایان یافت و یگان های خودی به حوالی پاسگاه زید عقب نشینی کردند.

(۳) مرحله سوم:

به دنبال تهیه عکس هوایی از منطقه عملیاتی و سایر شواهد و قرائن موجود، مشخص شد که دشمن نیروهای زرهی خود را با تجمعی بسیار وسیع آرایش داده و احتمالاً مبادرت به پاتک سنگین می نماید. بر این اساس مرحله سوم عملیات بیشتر به منظور انهدام تجهیزات زرهی دشمن (تانک و نفربر) تدبیر شد لذا از شرکت نیروهای زرهی خودی ممانعت به عمل آمد.

به این ترتیب عملیات از همان محور جنوب پاسگاه زید و با همان نیروهای مرحله دوم به اضافه ۳ تیپ در تاریخ ۶۱/۴/۳۰ آغاز گردید. قوای نظامی خودی در همان ساعات اولیه به صورتی چشمگیر خطوط دفاعی دشمن را در هم شکسته و با انهدام بخش وسیعی از تجهیزات دشمن به پیشروی ادامه دادند اما سرانجام نیروهای خودی در اثر فشار یگان های دشمن به مواضع اولیه مراجعت نمودند.

(۴) مرحله چهارم:

در تاریخ ۶۱/۵/۱ در محور جنوبی عملیات (شلمچه) قرارگاه نصر با ۳ تیپ تقویت شده ارتش و سپاه به صورت ادغامی وارد عمل شد، لیکن بدلیل هوشیاری دشمن و نیز موانع و استحکامات قابل توجهی که وجود داشت و شدت مقاومت دشمن، عملاً امکان عبور از مواضع مقدم پدافندی دشمن میسر نشد.

(۵) مرحله پنجم:

تلاش اصلی در مرحله پنجم عملیات که در تاریخ ۶۱/۵/۶ انجام گرفت، معطوف به محور شمالی پاسگاه زید در حد فاصل دژ مرزی عراق و

خاکریزهای مثلثی دشمن انجام شد و طی این مرحله ۹ تیپ تقویت شده ارتش و سپاه شرکت داشتند.

در آغاز درگیری، همه چیز طبق روال پیش می رفت و در نتیجه نیروهای خودی توانستند گذشته از پاکسازی و الحاق، خاکریزهای مناسب در جناح شمالی احداث نمایند ولی از آنجایی که دقت کافی در احداث آن نشده بود دشمن توانست در آن رخنه نموده و ۵ کیلومتر پیشروی نماید. در این فاصله نیروهای خودی نزدیک به ۴۸ ساعت در مواضع به دست آمده مستقر شدند و امکانات پشتیبانی و خدماتی به جلو منتقل گردید. دشمن نیز که در مراحل گذشته ضرباتی اساسی متحمل شده بود عملاً تحرکی از خود نشان نداد، لیکن طی بررسی که در قرارگاه کربلا به عمل آمد ادامه حضور نیروها در خاکریزهای متصرفی به صلاح دیده نشد و به مواضع اولیه در حوالی پاسگاه زید مراجعت نمودند.

سرانجام بعد از ۵ مرحله عملیات، فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا با توجه به کاهش نسبی توان رزمی نیروهای رزمنده خودی (از نظر کمی و کیفی) به این نتیجه رسید که ادامه عملیات مقدر نمی باشد و از این رو خاتمه عملیات اعلام گردید.

۲- بررسی کاربرد اصل مانور در عملیات رمضان

الف- مانور که یکی از اصول نه گانه جنگ می باشد، عبارتست از جابه جایی و حرکت دادن حساب شده توان رزمی موثر به منظور دستیابی به موقعیتی برتر نسبت به دشمن.

مانور دارای سه بعد مرتبط به هم می باشد که عبارتند از :

قابلیت انعطاف، تحرک و قدرت مانور

ب- برای اینکه مشخص کنیم که آیا در عملیات رمضان، اصل مانور رعایت گردیده است یا خیر، ابعاد سه گانه فوق را در روند عملیات بررسی می کنیم:

(۱) منظور از قابلیت انعطاف: عبارتست از داشتن انعطاف در اندیشه، در طرح (مانور و سازمان رزمی) و در هنگام هدایت عملیات (تطابق و سازگاری با شرایط و اوضاع و احوال، قانونی است که بر پیروزی در جنگ و بقاء در زندگی حکم می کند).

فرمانده و ستادش باید به طور عمیق بیندیشند که چگونه توان رزمی خود را سازمان داده و جا به جا نمایند تا در نهایت آن را در موقعیتی برتر نسبت به دشمن قرار دهند. آنها بایستی طرح مانور را طوری تنظیم نمایند که چنانچه با شرایط نامساعدی برخورد نمود، بتوان به سرعت تغییرات لازم را روی آن اعمال نمایند و ابزار کافی برای اعمال نفوذ در عملیات را بکار برند. آنها باید ضمن اینکه راه کارهای مختلفی را در ذهن می پروراند، دست دشمن را از انتخاب هر راه کار مناسبی تهی نمایند.

مهم ترین ضعف طرح عملیاتی کربلا ۴ (عملیات رمضان)، نداشتن قابلیت انعطاف به علت نبود یک واحد احتیاط متحرک و مناسب بود، به همین دلیل، طرح مانور این عملیات، فاقد نرمش و انعطاف لازم برای تکمیل استقرار نیروها در موقعیتی برتر نسبت به دشمن بود. یکی از افسران رکن سوم قرارگاه مقدم نذاجا در جنوب که نخواست نامش ذکر گردد اظهار می داشت:

«بعد از اینکه دشمن منطقه شلمچه را آب انداخت، پیشنهاد کردیم قرارگاه نصر در نقش احتیاط به پشت محور مرکزی تغییر مکان باید تا بتوان به موقع از آن بهره برداری شود. اما فرمانده این قرارگاه اعلام نمود: برای جا به جایی یگانها، یک هفته وقت لازم دارد و چون شرایط طلوع و

غروب ماه طوری بود که امکان به تاخیر انداختن عملیات به مدت یک هفته مقدور نبود ناچاراً از تغییر مکان قرارگاه نصر خودداری شد و عملیات بدون داشتن احتیاط انجام گرفت؛»

بالاخره عملیات آغاز گردید و دشمن ضمن تاخیر در مرکز منطقه، مانع پیشروی قرارگاه های قدس و نصر در شمال منطقه و قرارگاه نصر در جنوب منطقه گردید در نتیجه جناحین قرارگاه فتح در مرکز منطقه باز ماند. به علت آبگرفتگی بوبیان در جنوب، خطر عمده ای جناح جنوبی قرارگاه فتح را تهدید نمی کرد، اما جناح شمالی کاملاً باز بود و مهمترین خطر متوجه این جناح شد. متأسفانه به علت عدم قابلیت انعطاف در طرح عملیاتی و در دسترس نبودن نیرو برای اعمال نفوذ فوری در عملیات، دشمن با بهره برداری از اشتباهات تاکتیکی و عملیاتی نیروهای خودی، با اجرای پاتک، علاوه بر انهدام قسمت عمده ای از نیروهای رخنه کننده، بقیه نیروها را نیز وادار به عقب نشینی به محل اولیه نمود و بدینسان مرحله یکم عملیات را با ناکامی مواجه ساخت.

(۲) **از لحاظ بعد تحرک مانور:** قرارگاه فتح به علت اینکه لشکر ۹۲ زرهی را در کنترل عملیاتی خود داشت از تحرک خوبی برخوردار بود، کما اینکه تیپ یکم زرهی آن به فرماندهی سرهنگ صفوی تا حوالی نهر کتیبان یعنی عمق بیش از ۲۰ کیلومتر، پیشروی کرده بود.

شهید سپهبد صیاد شیرازی در قسمتی از کتاب خاطرات خود در این باره چنین اظهار نموده:^۱

«ساعت ۹ یا ۱۰ صبح بود. سرتیپ شهید صفوی، فرمانده یکی از تیپ های زرهی لشکر ۹۲ خوزستان که با برادران سپاه - تیپ ۸ نجف و

تیپ ۱۴ امام حسین (ع) رفته بود جلو، صدایش را ضعیف شنیدم که می گفت: من کنار نهر کتیبان هستم، چکار کنم؟.....»

در مقابل سرعت عمل قرارگاه فتح؛ قرارگاه فجر فاقد تحرک متناسب با قرارگاه فتح بود، و این مساله دو علت داشت یکی بافت قرارگاه فجر که جملگی پیاده بودند و دیگری زمین و موانع متعدد مسیر پیشروی. بنابراین در مجموع، این دو قرارگاه همپای یکدیگر نبودند و این به معنای آنست که از لحاظ بعد تحرک مانور، این دو قرارگاه با یکدیگر همخوانی نداشتند و در زمانی یا لحظه ای و یا در محلی، بین این دو قرارگاه جدایی و شکاف ایجاد می شود و باید این مساله، هم در طراحی و هم در زمان اجرا مورد توجه خاص قرار می گرفت.

قرارگاه نصر نیز در جنوب منطقه یعنی بخش شلمچه، به علت بافت یگان های تابعه که عموماً پیاده بودند از لحاظ بعد تحرک مانور، در شرایط مناسبی نبود. بنابر این توانایی جا به جایی سریع به منظور استقرار در موقعیتی برتر نسبت به دشمن نداشت. شهید سپهبد صیاد شیرازی در کتاب خاطرات خود چنین بیان نموده است:

«..... به قرارگاه نصر ابلاغ کردیم تو آزادی، سریع از محور زید عبور کن و برو جناح راست را نگه دار. این ها هم اقدام کردند. تا برسند، مورد هجوم نیروهای دفاع متحرک دشمن واقع شدیم
«.....»

با توجه به این که در عملیات رمضان، احتیاط متحرکی نیز عملاً وجود نداشت بنابراین می توان چنین تحلیل کرد که طرح مانور، از لحاظ بعد تحرک در مقایسه با دشمن، دارای ضعف بود و همین نقطه ضعف سبب گردید که موفقیت‌های اولیه نیز از دست برود.

نکته قابل توجه:

در شرایطی که فرمانده قرارگاه نصر، قبل از شروع عملیات اظهار نموده که جا به جایی یگان های تحت کنترل قرارگاه، یک هفته زمان می برد، چگونه امکان دارد در بحبوحه عملیات قادر شود با سرعت لازم و ظرف چند ساعت از منطقه شلمچه به جناح شمالی قرارگاه فتح تغییر مکان داده و سد راه پاتک دشمن شود؟ و یا شکاف های موجود در رخنه ایجاد شده را پر کند؟

(۳) منظور از قدرت مانور: اینست که، سرانجام جا به جایی عده ها و آتش ها، باید منجر به استقرار یک نیروی کارا و پرتوان در نقطه آسیب پذیر دشمن گردد. نباید این حرکت و جا به جایی، منجر به استقرار یک نیروی خسته، متزلزل، ناتوان به تحلیل رفته و ناهماهنگ در مکان مورد نظر گردد. زیرا در این صورت قدرت زدن ضربه کاری را به دشمن نخواهد داشت یا اینکه قدرت حفظ موقعیت خود پس از استقرار در محل را دارا نخواهد بود.

با توجه به موارد بالا، این پرسش مطرح می شود که آیا حرکت و جا به جایی یگان های تابعه قرارگاه فتح و استقرار در حوالی نهر کتیبان به تنهایی، و بدون حضور و پیشروی سایر قرارگاه ها در کنار آن، منجر به استقرار یک نیروی منسجم، با قدرت رزمی برتر نسبت به دشمن گردیده است؟

در پاسخ به پرسش بالا باید گفت، خیر! زیرا استقرار در وضع و موقعیتی برتر نسبت به دشمن بدان معنا و مفهوم نیست که یک نیرو به تنهایی و بدون هماهنگی و ارتباط با نیروهای همجوار، سرخود را پایین بیندازد و بعد از رسیدن به هدف بگوید: من چکار کنم؟ در واقع مسئول هماهنگی و نظم دادن به آهنگ پیشروی یگان ها، فرمانده رده بالاتر است که در تمام مراحل پیشروی نیروها موظف است، توازن، انسجام و

هماهنگی حرکات آنها را حفظ نماید. بنابر این زمانی قرارگاه فتح در موقعیتی برتر نسبت به دشمن قرار می گرفت که قرارگاه های همجوار آن به ویژه قرارگاه فجر، هماهنگ با آن پیشروی می نمود و یا به محض اینکه احساس کرد، امکان پیشروی قرارگاه فجر به علت برخورد به مواضع مثلثی وجود ندارد، احتیاط خود را که نداشت و باید می داشت برای حفاظت از جناح شمالی و رفع این ناهماهنگی وارد عمل می کرد. یا از رده بالاتر درخواست می نمود که احتیاط رده بالاتر به او در حفاظت جناح کمک کند که متأسفانه رده بالاتر هم فاقد احتیاط بوده است. ملاحظه می شود در این ناکامی، مجموعه ای از اشتباهات و عوامل متعدد شرکت داشته اند که مانند حلقه های متحدالمرکزی با یکدیگر ارتباط دارند. در مرحله یکم عملیات رمضان اگر به موارد بالا توجه می شد بدون هیچگونه تردیدی، نیروهای خودی با کمال قدرت و صلابت در موقعیتی به طور کامل برتر نسبت به دشمن قرار می گرفتند. که البته در این عملیات چنین نشد. حرکات مراحل دیگر عملیات نیز، از دید منطق نظامی، نوعی سماجت تلقی می شوند، زیرا هیچکدام از آنها حساب شده و کار ساز نبوده اند و میزان تلفات و فرسودگی نیروهای خودی بیشتر از نیروهای دشمن بوده است. شهید سپهبد صیاد شیرازی در کتاب خاطرات خود در این مورد چنین اظهار نموده است:^۱

«..... آمدم دو مرحله دیگر از جناح راست تک کنیم. جناح (جبهه) وسط را ول کردیم. آمدم از طریق قرارگاه فجر تک را ادامه دهیم که برای اولین بار افتادیم به سامانه خاکریزهای مثلثی دشمن. نمونه اش را تا آن موقع ندیده بودیم. شکل عجیبی بود که نیروها توی خاکریزها سرگردان می شدند، ضربه می خوردند و دوباره برمی گشتند»

۱- کتاب ناگفته های جنگ نشر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۸

ملاحظه می شود که شهید سپهبد صیاد شیرازی با بیانی صادقانه توأم با شهامت که جزء صفات خاص ایشان بود اظهار نموده اند که نیروها در خاکریزهای مثلثی سرگردان می شدند، ضربه می خوردند و دوباره برمی گشتند. بدیهی است چنین حرکت هایی، فاقد قدرت مانور بوده اند و هیچگاه در موقعیتی برتر نسبت به دشمن قرار نگرفته اند. ابزار فرمانده در یک مانور، عبارتند از تلاش اصلی، تلاش یا تلاش های پشتیبانی و بالاخره نیروی احتیاط، وقتی در خلال اجرای مانور، تلاش های پشتیبانی حرکت موثری را انجام ندهند و احتیاطی هم برای اعمال نفوذ در عملیات و جبران کاستی ها وجود نداشته باشد، این فرماندهی فاقد قدرت مانور است و مثال معروف **یک دست صدا ندارد** مصداق پیدا می کند.